

باسمه تعالی

## ۱.....المقصد الخامس: المطلق و المقید

### ۱.....فصل اول: تعریف المطلق و المقید

#### ۱.....الجهة الاولى: تعریف المطلق و المقید

#### ۲.....تفاوت مشروط و مقید

#### ۲.....تفاوت مطلق در مقابل مشروط با مطلق در مقابل مقید

**موضوع:** مطلق و مقید (فصل اول: تعریف / الجهة الاولى: تعریف المطلق و المقید)

### خلاصه مباحث گذشته:

در سال‌های گذشته چهار مقصد اول کفایه بحث شد، و اکنون مقصد پنجم یعنی مطلق و مقید شروع می‌شود.

## المقصد الخامس: المطلق و المقید

در کفایه یک مقدمه برای علم اصول ذکر شده است همراه یک خاتمه، و هشت مقصد هم بین آنها بیان شده است. پنج مقصد اول در مورد مباحث الفاظ، و سه مقصد بعد در مورد مباحث عقلیه است. چهار مقصد اول در سال‌های گذشته بررسی شد، و اکنون مقصد پنجم که در مورد مطلق و مقید است شروع می‌شود. در این مقصد در کتاب کفایه چهار فصل مطرح شده است که به بررسی آنها خواهیم پرداخت:

### فصل اول: تعریف المطلق و المقید

در فصل اول در مورد تعریف مطلق و مقید و الفاظ آنها بحث خواهد شد. این فصل ضمن جهاتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

#### الجهة الاولى: تعریف المطلق و المقید

کلمه مطلق در لغت به معنای «مرسل» و «آزاد» و «بدون قید» است، و مقید به معنی «با بند» و «با قید» است. در علم اصول با توجه به همین معنای لغوی، اصطلاح مطلق و مقید جعل شده است. لفظی که قید ندارد «مطلق» است، و لفظی که قید داشته باشد متّصف به «مقید» می‌شود. به عنوان مثال در «تجب الصلاة» یا «الصلاة واجبة»، لفظ «صلاة» مطلق است. در مثال «تجب الصلاة مع الطهارة»، نیز لفظ «صلاة» مقید است. توجه شود که در این مثال مجموع «صلاة» و «طهارة» مقید نیست، بلکه تنها لفظ «صلاة» مقید است. به هر حال «مطلق» و «مقید» دو عنوان برای لفظ است، که برخی الفاظ متّصف به «مطلق» و برخی متّصف به «مقید» می‌شوند.

با دقت و توضیح بیشتر این تعریف، تفاوت این بحث با دو اصطلاح اصولی دیگر یعنی «مطلق» و «مشروط» معلوم می‌شود. پس چهار اصطلاح وجود دارد، که تفاوت «مشروط» با «مقید»، و تفاوت «مطلق در مقابل مشروط» با «مطلق در مقابل مقید» باید توضیح داده شود. به عنوان مقدمه هر تکلیف (وجوب و حرمت)، متقوم به دو رکن است: متعلق و موضوع؛ تکلیف بدون این دو محال است. در خطاب تشریح یا تکلیف اگر قیدی باشد، از سه صورت خارج نیست:

الف. این قید، قید متعلق است؛ به عنوان مثال اگر مولى در خطاب تشریح بگوید «تجب الصلاة مع الطهارة»، قید «طهارة» قیدی برای متعلق تکلیف یعنی «صلاة» است. به واجبی که چنین قیدی داشته باشد، واجب مقید گفته می‌شود.

ب. قید موضوع است؛ به عنوان مثال اگر بگوید «يجب الحج على المكلف المستطيع»، قید «مستطيع» قیدی برای موضوع تکلیف یعنی «مکلف» است. به واجبی که چنین قیدی داشته باشد، واجب مشروط گفته می‌شود.

ج. قید حکم و تکلیف است؛ به عنوان مثال اگر بگوید «الصلاة واجبة عند الزوال»، قید «عند الزوال» قیدی برای حکم یعنی «وجوب» است. به واجبی که چنین قیدی داشته باشد، واجب مشروط گفته می‌شود.

### تفاوت مشروط و مقید

با توجه به این مقدمه، واجب مقید واجبی است که متعلق تکلیف در آن قید دارد؛ و واجب مشروط هم واجبی است که موضوع یا حکم در آن قید دارد. البته این به لحاظ مقام دلالت و لفظ است. اما آیا واقعاً قید موضوع و حکم دو قید متفاوت هستند، یا یکی هستند؟ و اگر یکی هستند، کدام قید به قید دیگر برمی‌گردد؟ مشهور بین علمای اصول، این است که این دو قید لَبَّأً یک قید هستند، و مشهور هر دو را قید حکم می‌دانند. اما به نظر می‌رسد هر چند هر دو لَبَّأً یکی هستند، اما هر دو قیدی برای موضوع می‌باشند، زیرا محال است که یک تکلیف قید بردارد. بله در مقام لفظ و دلالت ممکن است تکلیف مقید شود، اما تمام قیود حکم و تکلیف به قیود موضوع برمی‌گردد، که این بحث قبلاً در بحث واجب مشروط به طور مفصل بیان شد.

### تفاوت مطلق در مقابل مشروط با مطلق در مقابل مقید

با توجه به این مقدمه که تنها دو قید متعلق، و قید موضوع وجود دارد، و اینکه اگر متعلق قید داشته باشد واجب مقید شده و اگر موضوع قید داشته باشد واجب مشروط می‌شود، تفاوت بین مطلق در مقابل مشروط با مقابل مقید هم معلوم می‌شود. مطلق در مقابل مقید به این معنی است که متعلق تکلیف قیدی ندارد؛ و مطلق در مقابل مشروط به این معنی است که موضوع تکلیف قید ندارد.

به عنوان مثال اگر مولى بگوید «اکرام العالم واجب»، متعلق این تکلیف همان «اکرام»، موضوع آن همان «عالم»، و تکلیف نیز همان «وجوب» است. اگر گفته شود اکرام مطلق است به این معنی است که متعلق تکلیف قیدی ندارد؛ و اگر گفته

شود عالم مطلق است به این معنی است که موضوع تکلیف مشروط نیست؛ و اگر گفته شود وجوب مطلق است به این معنی است که خطاب و تکلیف شرطی ندارد، و به معنای مقید نبودن واجب نیست. به عبارت دیگر در این مثال پنج چیز وجود دارد: اکرام، و عالم، و وجوب، و خطاب، و تکلیف. از بین اینها تنها امر اول متصف به مقید یا مطلق است، یعنی اکرام مطلق در مقابل مقید است. اما چهار امر دیگر (عالم و وجوب و خطاب و تکلیف) متصف به مشروط یا می‌شوند، یعنی مطلق در مقابل مشروط هستند.

فعلیت واجب مشروط به فعلیت موضوع است، که فعلیت موضوع هم به فعلیت قید و شرطش است. پس فعلیت واجب مشروط هم به فعلیت قید و شرط است.